

مشروعیت دعا نزد قبور اولیای الهی

غلامرضا رضائی^۱

چکیده

نوشتار حاضر به مسأله دعا نزد قبور پرداخته و مشروعیت آن را به کمک این ادله اثبات می‌کند: ۱. بیان احادیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در متون روایی معتبر اهل سنت نقل شده و مشروعیت دعا نزد قبور مسلمانان را به طور مطلق اثبات می‌کند، ۲. بیان مواردی از سیره و دیدگاه سلف در باره دعا نزد قبر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ۳. معرفی مکان‌هایی ویژه که برای عبادت مورد توجه قرار گرفته است، ۴. آشکار نمودن تناقضات موجود در آثار ابن تیمیه و وهابیان در مسئله جواز دعا نزد قبور، ۵. اثبات ناصوبی برداشت‌های وهابیت از احادیث، ۶. اثبات ناکارآمدی قاعده سد ذرایع.

واژه‌های کلیدی: حدیث، دعا، اولیا، قبور، صحابه، ابن تیمیه، وهابیت.

۱. دانش آموخته سطح ۴ مرکز تخصصی علم کلام، مؤسسه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام؛ عضو هیئت علمی پژوهشکده حج و زیارت.

مقدمه

از جمله موارد قداست‌زدایی وهابیان از پیامبران الهی عليه السلام به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نامشروع پنداری دعا نزد قبر مطهر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و کفرشماری اعتقاد به افضلیت آن مکان برای دعاست.

این تیمیه در پاسخ به این سؤال که آیا دعا نزد قبر صالحان و اولیای الهی جایز است یا خیر؟ و آیا احتمال استجاب دعا در مکان‌های یاد شده بیشتر از سایر مکان‌هاست یا خیر؟ می‌گوید: «دعای نزد قبور، افضل از دعا در اماکن دیگر نیست...؛ نه قبر پیامبران و نه غیر آن». (ابن تیمیه: ۱۴۱۶، ۲۷: ۱۸۱) او ادعا می‌کند که هیچ‌گاه صحابه نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای خود دعا نکرده‌اند. (همان، ۱۷: ۴۷۱) همچنین وی اعتقاد به مستجاب بودن دعا نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا سایر اولیای الهی را مرتبه چهارم بدعت می‌پندارد (ابن تیمیه: ۱۴۱۸، ۱: ۲۲) و انتخاب مکان‌های یاد شده برای دعا را خلاف شرع و فراتر از آن، شخص معتقد به افضلیت این مکان‌ها را کافر می‌داند. (بعلی: بی تا، ۵۷)

او در جای دیگر می‌گوید: «اهل شرک و بدعت، قبور و مشاهد را تکریم می‌کنند... و معتقدند که دعا نزد قبور مستجاب است؛ حال آنکه این نزدیک‌ترین کار به احوال شیطان است». (ابن تیمیه: ۱۴۰۵، ۱۷۵)

محمد بن عبدالوهاب نیز مدعی است هیچ‌گاه صحابه نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت چیزی درخواست نکرده‌اند. بلکه سلف صالح، حتی کسی را که نزد قبر آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از خدای متعال چیزی طلب کند، مذمت کرده‌اند. (محمد بن عبد الوهاب: ۱۴۱۸، ص ۵۱)

بن باز، مفتی معروف وهابی هم گفته است: «دعا کردن نزد قبور، غیر شرعی است و در این مسئله بین قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با سایر قبور تفاوتی نیست و مکان یاد شده، محل استجاب دعا نمی‌باشد». (بن باز: بی تا ب، ۶، ۳۲۷)

ابن عثیمین از علمای وهابی معاصر نیز انتخاب مراقد مطهر پیامبران عليه السلام را برای دعا، بدعت و وسیله‌ای برای شرک می‌داند. (بن باز، عبد العزیز؛ ابن عثیمین؛ ابن جبرین: ۱۴۱۵، ۳: ۴۹۲)

قبل از بررسی و نقد دیدگاه یاد شده، تذکر این نکته مفید است که در مسئله دعا

نزد قبور، ابن تیمیه تفصیلی قائل شده است بین این که زائر از اول قصد دعا داشته باشد و یا این که ابتدا به قصد زیارت برود و آن گاه کنار قبر، از خدای متعال چیزی را درخواست کند.

آن چه به عقیده او و وهابیان - که تأثیر پذیرفته از اویند- مشروع نیست، قسم اول است؛ (ابن تیمیه: ۱۴۱۹، ۲: ۱۹۵) در حالی که آنچه از احادیث استفاده می شود، مطلق بودن مشروعیت دعا نزد قبور است؛ خواه از ابتدا قصد دعا داشته باشد یا بدون قصد اولیه رفته باشد.

نکته دیگر این است که آنان دعای زائر برای مزور و طلب آموزش برای او را جائز می دانند. بلکه فلسفه زیارت قبور را منتفع شدن میت از طریق دعا برای آموزش او می دانند. اما آنچه را حرام می پندارند، دعا کردن زائر برای خود و زندگان است؛ (ابن تیمیه: ۱۴۱۶، ۲۴: ۳۴۳؛ نیز ر.ک: البانی: ۱۴۰۶، ۱۸۹؛ نجدی: ۱۳۹۸، ۲۱۸) در حالی که آنچه دلائل پیش رو اثبات می کند، خلاف ادعای یاد شده است.

ادله مشروعیت

یک. احادیث

۱) درخواست عافیت

«سلیمان بن بریده» از پدرش نقل کرده است که پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که به مقابر تشریف می برد، این گونه بر اهل قبور، سلام می داد:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ لَنَا وَلَكُمْ». (نسائی: ۱۴۲۱، ۲: ۴۶۸)

سلام بر شما اهل این دیار از مؤمنان و مسلمانان، و ما ان شاء الله به شما ملحق می شویم. شما پیشروان ما بودید و ما به دنبال شمایم. از خدا برای ما و شما درخواست عافیت می کنم.

هم چنین در روایت دیگر آمده است که حضرت به اصحاب آموخت که وقتی به قبرستان می روند، این گونه بگویند: ... و نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ؛ ... از خدا برای خودمان و شما عافیت را طلب می کنیم. (مسلم: بی تا، ۲: ۶۷۱؛ ابن ابی شیبه: ۱۴۰۹، ۳: ۲۷) در این باره، چند نکته درخور توجه است:

اولاً: چنان که ملاحظه می شود در حدیث اول، بر خلاف پندار وهابیان، پیامبر ﷺ

برای خود و سایر زندگان از خدای متعال درخواست عافیت کرده و فرموده است: أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ لَنَا وَلَكُمْ. جالب این است که حضرت، دعا برای زندگان را مقدم داشته است. و در حدیث دوم نیز حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اصحاب خواسته است که به همان شیوه یاد شده، دعا کنند.

ثانیا: از بیان راوی استفاده می شود که این تعلیم پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره چگونگی زیارت قبور و سلام کردن بر اهل قبور، همیشگی بوده است (به قرینه لفظ کان که دلالت بر استمرار دارد)؛ زیرا در روایت می خوانیم: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْلَمُهُمْ إِذَا حَرَجُوا إِلَى الْمَقَابِرِ فَكَانَ قَائِلُهُمْ يَقُولُ...»، «پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوسته به آنان می آموخت که وقتی به قبرستان می روند چنین بگویند ...».

ثالثا: وقتی زیارت قبور با شیوه یاد شده، برنامه ای مستمر و از قبل تعیین شده باشد، پس باید زائر از قبل، دعای نزد قبور را قصد کند و از آغاز برای گفتن همین عبارات حرکت نماید.

رابعا: وقتی دعا کردن نزد قبر با قول و فعل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشروعیت یافت، دیگر بین کم یا زیاد آن فرقی نیست؛ زیرا بی شک اگر دعا نزد قبر، بدعت، کفر و شرک باشد - چنان که وهابیان می پندارند - کم آن هم بدعت و شرک است. افزون بر این، از حدیث دیگری که در صحیح مسلم و سایر متون روایی آمده است، به خوبی می توان دریافت که گاهی اوقات حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قبرستان بقیع برای مدت طولانی نیز مشغول دعا و مناجات بوده اند؛ زیرا عایشه در حدیث یاد شده تصریح کرده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای مدت طولانی در آنجا سر پا ایستاده بود: «...حَتَّى جَاءَ الْبَقِيعَ فَقَامَ، فَأَطَالَ الْقِيَامَ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ أَنْحَرَفَ فَأَنْحَرَفْتُ». (مسلم: بی تا، ۲: ۶۶۹)

خامسا: کسی در اعتبار حدیث یاد شده، تردید نکرده است، بلکه افزون بر نقل در متون روایی معتبر، (ر.ک: ابن ابی شیبیه: ۱۹۹۷، ۳: ۲۷؛ شیبانی: ۱۴۲۱، ۳۸: ۶۵۴؛ خلال: ۱۴۱۰، ۳: ۶۰۶؛ اصبهانی: ۱۴۱۷، ۳: ۵۳) ابن تیمیه و البانی به صحت آن اعتراف کرده اند. (ر.ک: ابن تیمیه: ۱۹۹۵، ۲۷: ۴۱۵؛ البانی: ۱۴۰۵، ۳: ۲۳۵)

سادسا: بر خلاف آنچه وهابیت فتوا می دهد (ر.ک: زهیر الشاویش: ۱۴۲۳، ۱۵: ۶۱۵؛ عثیمین: ۱۴۱۳، ۲۳، ۴۱۴) در حدیث یاد شده نیامده است که حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام خواندن زیارتنامه، با این که مشتمل بر دعاست، پشت به قبور و رو به قبله ایستاده است، و همچنین نیامده است که حضرت به صحابه فرموده باشد هنگام دعا نزد قبور، روی خود را سمت قبله کنند. بلکه در روایت آمده است: «فَأَقْبَلَ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ».

«حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رو به سمت قبور کرد». (ترمذی: ۱۹۹۸، ۲: ۳۶۰)

سایه: نکات یاد شده برای سایر احادیثی که در ادامه خواهد آمد نیز، درخور توجه و درنگ است.

۲) درخواست مصونیت از فتنه و گمراهی

عایشه می گوید:

از همان آغاز شب، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ندیدم. پنداشتم نزد برخی از همسرانش رفته است. جست و جو کردم تا به بقیع رسیدم. [در آنجا شنیدم که حضرت] می فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَإِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُمْ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُمْ» «سلام بر شما گروه مؤمنان! همانا ما به شما ملحق خواهیم شد. خدایا! ما را از پاداش آنان محروم مفرما و ما را بعد از آنان گمراه نکن». (أبو داوود: ۱۴۱۹، ۳: ۴۸)

در روایت دیگر آمده است: «وَلَا تُفْتِنَنَا بَعْدَهُمْ» «ما را بعد از آنان به فتنه میفکن».

(قروبنی: ۱۴۳۰، ۲: ۴۹۶؛ ابو داوود: بی تا، ۵: ۱۴۱)

در این جا به برخی از نکات درخور توجه در این حدیث شریف اشاره ای می کنیم:

اولاً: طبق گفته عایشه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سر شب تا آن زمان که عایشه ایشان را یافته است، در قبرستان بقیع بسر می برده است، و بی شک حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آنجا جز به عبادت، از جمله دعا و زیارت، به کار دیگری مشغول نبوده است؛^۱ زیرا محال است آن حضرت لحظه ای از وقت خود را - نعوذ بالله - بیهوده یا به غفلت سپری کرده باشد. بنابراین بر خلاف فتوای وهابیان، معلوم می شود که طولانی شدن حضور زائر نزد مزور و خواندن دعای طولانی و زیارت مفصل، نه تنها مانعی ندارد، بلکه با استناد به فعل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استحباب آن نیز ثابت است.

ثانیاً: این که حضرت قبرستان بقیع را به جای مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای عبادت انتخاب کرده است - با وجود آن همه فضیلت که برای آن ثابت است - و آن گاه مدت طولانی در آنجا درنگ می کند، دلیل دیگر بر مشروعیت دعا و زیارت طولانی در این گونه

۱. در حدیث دیگری که در صحیح مسلم و سایر متون روایی آمده است، عایشه حکایت دیگری نیز نقل می کند که در آنجا می گوید: «...پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تعقیب کردم تا این که به قبرستان بقیع آمد و در آنجا توقف کرد و توقف خود را طولانی نمود: «...حَتَّى جَاءَ الْبَيْعَ فَقَامَ، فَأَطَالَ الْقِيَامَ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». (ر.ک: مسلم: بی تا، ۲: ۶۶۹).

مکان هاست.

ثالثاً: بنابر اظهار عایشه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر شبی که پیش عایشه بوده، به قبرستان بقیع می‌رفته است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلَّمَا كَانَ لَيْلَتُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ إِلَى الْبَقِيعِ فَيَقُولُ: ...». (مسلم: بی‌تا، ۲: ۶۶۹) ^۱ از این گفته عایشه معلوم می‌شود که بر خلاف تبلیغ وهابیت، نه تنها به صورت مستمر به زیارت قبر مطهر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفتن و دعا کردن نزد قبر آن حضرت حرام نیست، ^۲ بلکه مستحب و مشروع نیز است؛ زیرا فعل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حجت است و زیارت با کیفیت یاد شده، به طریق اولی، شامل خود ایشان نیز می‌شود.

۳) درخواست رحمت

عایشه در گزارش دیگری، چنین یادآور شده است

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و عرضه داشت پروردگارت فرمان داده است به قبرستان بقیع روی و برای آنان طلب رحمت کنی». عایشه عرض کرد: «ای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چگونه برای آنها استغفار کنم؟» حضرت فرمود بگو: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ، وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْحَاقِقُونَ»؛ «سلام بر ساکنان مؤمن و مسلمان این سرزمین. خدا گذشتگان و آیندگان ما را رحمت کند! و آن گاه که خدا بخواهد، به شما می‌پیونددیم». (مسلم: بی‌تا، ۲: ۶۶۹)

۴) درخواست آمرزش

ابن عباس می‌گوید:

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقُبُورِ الْمَدِينَةِ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ فَقَالَ:

۱. البانی مستند حدیث را چنین آورده است: «أخرجه مسلم، ج ۳، ص ۶۳؛ النسائی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ابن السنی، ص ۵۸۵؛ البیهقی، ج ۴، ص ۷۹؛ أحمد، ج ۶، ص ۱۸۰». (البانی: ۱۴۰۶، ۸۹)

۲. وهابیت به استاد حدیثی که در متون روایی اهل سنت آمده مبنی بر این که قبر من را عید قرار ندهید، برداشت انحرافی از آن کرده و گفته‌اند منظور حضرت این است که پیوسته به زیارت قبر من مشرف نشوید و حال آنکه حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دقیقاً بر خلاف برداشت وهابیان نظر داشته‌اند؛ زیرا از آنجا که ایام عید در طول سال اندک است، حضرت خواسته‌اند بفرمایند زیارت قبر من را همانند دید و بازدیدهای عید به چند دفعه محدود نکنید.

السلام علیکم یا اهل القبور، یغفر الله لنا و لکم. «رسول خدا ﷺ هنگام عبور از کنار قبور مدینه، به آنها روی کرد و فرمود: درود بر شما ای اهل قبور! خدا ما و شما را بیمارزد. شما پیشگامان مایید و ما در پی شما خواهیم آمد». (ترمذی، ۲: ۳۶۰؛ سمهودی: ۱۴۱۹، ۳: ۷۸)

جالب این که همه دعاها یاد شده را ابن تیمیه یکجا به عنوان آداب زیارت قبور آورده است. او گفته است:

از طریق صحاح، سنن و مسانید ثابت شده است که پیامبر ﷺ به اصحابش می‌آموخت که هنگام زیارت قبور این‌گونه بگویند: «السلام علیکم أهل دار قوم مؤمنین، و إنا إن شاء الله بکم لاحقون. و یرحم الله المستقدمین منا و منکم و المستأخرین، نسأل الله لنا و لکم العافیة، اللهم لا تحرمنا أجرهم ولا تفتنا بعدهم، و اغفر لنا و لهم». (ابن تیمیه: ۱۴۱۹، ۲: ۲۹۳)

دو: عملکرد صحابه

افزون بر قول و فعل پیامبر اکرم ﷺ، عملکرد صحابه نیز کم و بیش گویای مشروعیت دعا نزد قبر پیامبر اکرم ﷺ است. ابن ابی شیبہ (متوفای ۲۳۵ ق) در کتاب «المصنف» روایتی از مالک الدار (انباردار عمر بن خطاب) نقل کرده است به این مضمون که در زمان عمر، مردم دچار قحطی و خشکسالی شدند. مردی کنار قبر پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مردم نابود شدند. از خداوند برای امت خود طلب باران کن. رسول خدا ﷺ در عالم خواب به آن مرد فرمود: «نزد عمر برو و از جانب من به او سلام برسان و بگو: به زودی باران خواهد آمد و سیراب خواهید شد و بگو: کیسه سخاوت را گسترده ساز». در ادامه گزارش آمده است که آن مرد، ماجرای خوابش را برای عمر نقل کرد. قطرات اشک از چشمان عمر جاری شد و گفت: خداوندا کوشش کردم. ولی همیشه ناتوان بودم. (ابن ابی شیبہ: ۱۴۰۹، ۶: ۳۵۶)

گفتنی است حدیث یاد شده را غیر از ابن ابی شیبہ، بسیاری از بزرگان اهل سنت، از جمله: ابوبکر احمد بن ابی خیثمه (م ۲۷۹ ق) در التاریخ الکبیر (۲: ۸۰)، ابن عبدالبر (م ۴۶۳ ق) در الاستیعاب (۳: ۱۱۴۹)، محب‌الدین طبری (م ۶۹۴ ق) در الریاض النضرة فی مناقب العشرة، (۲: ۳۲۰)، ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق) در البداية و النهایة (۷: ۱۰۵) و دیگران در کتب خود روایت کرده‌اند. افزون بر این، برخی از آنان از جمله ابن کثیر

(همان)، ابن حجر عسقلانی در فتح الباری (۲: ۴۹۵)، قَسْطَلَانِي در المواهب اللدنية بالمنح المحمدية (۳: ۳۷۴) و عبداللطيف آل الشيخ در منهاج التأسيس والتقديس (۱: ۱۳۷) آن را به لحاظ سند نیز تأیید کرده و صحیح دانسته‌اند.

بنابراین در زمان عمر بن خطاب که نزدیک به عصر پیامبر اکرم ﷺ است و همگی افراد نیز قول و فعل پیامبر ﷺ را به یاد داشتند، می‌بینیم یکی از آنان نزد قبر حضرت ﷺ می‌آید و مشکل خشکسالی را مطرح می‌کند و نه تنها هیچ کس این اقدام را سرزنش نمی‌کند، بلکه خلیفه وقت، گفته او را تأیید می‌کند. آیا این خود بهترین دلیل بر پذیرش مشروعیت دعا نزد قبر پیامبر ﷺ - بلکه جواز توسل به آن حضرت - از سوی مسلمانان نیست؟!

ممکن است برخی سؤال کنند که ماجرای یاد شده مربوط به جواز توسل به شخص پیامبر اکرم ﷺ است؛ در حالی که موضوع مورد بحث، مشروعیت مطلق دعا نزد قبر آن حضرت است و این دو با هم متفاوت‌اند.

پاسخ این است که وقتی از طریق این گزارش بتوانیم جواز توسل به شخص پیامبر اکرم ﷺ را ثابت کنیم، از طریق قاعده اولویت، مشروعیت مطلق دعا نزد قبر آن حضرت نیز ثابت می‌شود؛ زیرا آنچه بیش از همه حساسیت و هابیت را برانگیخته است، مسئله توسل به پیامبر اکرم ﷺ و سایر اولیای الهی است، و مسئله دعا نزد قبور مطهر آن حضرات: از نظر وهابیت در مرحله بعد قرار می‌گیرد؛ چنان‌که عبارتهای نقل شده از آنان در ابتدای نوشتار گویای این مطلب است.

با تفحص در سیره مسلمانان صدر اسلام، غیر از مورد یاد شده، موارد دیگری نیز می‌توان یافت که به منظور پرهیز از طولانی شدن مباحث از بررسی آن صرف‌نظر می‌شود.

سه: مکان‌های ویژه

از سویی، در برخی از متون کهن اهل سنت می‌بینیم که به بعضی از مکان‌ها برای دعا و نماز سفارش ویژه شده است؛ از جمله حسن بصری (م ۱۱۰ق) از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است که حضرت فرمود: «هر کس زیر ناودان (کعبه) دو رکعت نماز بخواند، از گناهانش بیرون می‌رود همانند روزی که از مادر متولد شده است». همچنین

پیامبر ﷺ فرمود: «محبوب‌ترین مکان‌ها نزد خدای متعال، [فاصله] بین مقام و ملتزم^۱ است». (بصری: بی‌تا، ۳۰) همچنین حضرت فرمود: بین رکن یمانی و رکن حجرالاسود باغی از باغ‌های بهشت است». (همان، ۲۶) بصری در همان کتاب آورده است که از ابن عباس سؤال شد: «مصلاهی اختیار کجاست؟». پاسخ داد: «زیر ناودان». (همان، ۲۹)

از سوی دیگر، در همان کتاب (ص ۲۰) و برخی دیگر از منابع اهل سنت (ر.ک: صفوری: ۱۲۸۳، ۱: ۱۸۴) آمده است که قبر حضرت اسماعیل ع و مادر گرامی‌اش هاجر ع در حجر اسماعیل زیر ناودان قرار دارد.^۲ همچنین در کتاب یاد شده (ص ۲۸) آمده است: هر یک از پیامبران ع چون قومش او را تکذیب می‌کرد، از آنان قطع رابطه می‌کرد و به مکه پناه می‌آورد و نزد کعبه به عبادت خدای متعال مشغول می‌شد؛ تا زمان مرگش فرا می‌رسید. از این‌رو قبر سید پیامبر، اطراف کعبه واقع شده است. بین رکن یمانی و رکن حجرالاسود نیز هفتاد پیامبر دفن شده‌اند.

ابن سعد (م ۱۶۸ ق) از اسحاق بن عبدالله روایت کرده است که قبر حضرت اسماعیل ع در حجر است. (ابن سعد: ۱۴۱۰، ۱: ۴۴)

ابن ابی‌الدنیا (م ۲۸۱ ق) از ابن عباس روایت کرده است که قبر حضرت اسماعیل ع درون حجر و قبر حضرت شعیب در جهت قبله حجر واقع شده است. (ابن ابی‌الدنیا: ۱۴۱۱، ۳۰۰)

ازرقی (م ۲۵۰ ق) یادآور شده است که بین رکن [حجرالاسود]، مقام و [چاه] زمزم، ۹۹ پیامبر ع دفن شده‌اند. (ازرقی: ۱۴۱۶، ۱: ۶۸ و ۲: ۱۳۴) همین سخن را ثعلبی (م ۴۲۷ ق) (ثعلبی: ۱۴۲۲، ۴: ۲۵۰)، ابوبکر بیهقی (م ۴۵۸ ق) (بیهقی: ۱۴۲۳، ۵: ۴۶۰)، بدرالدین عینی (م ۸۵۵ ق) (عینی: بی‌تا، ۱۵: ۲۲۷)، و دیگران نیز آورده‌اند.

ابن جریر طبری (م ۳۱۰ ق) از ابن سابط روایتی به همین مضمون آورده و افزوده است: «قبر حضرت نوح، هود، صالح و شعیب ع، بین زمزم و رکن و مقام [حطیم] واقع است. (طبری: ۱۴۲۰، ۱: ۴۴۸)

شرافت یافتن مکان به اهل آن

نکته‌ای که در اینجا ذهن پژوهشگر بی‌طرف را به خود مشغول می‌سازد، احتمال

۱. قسمتی از دیوار خانه کعبه که بین رکن حجرالاسود و در خانه کعبه واقع شده است.

۲. در متون روایی شیعه نیز روایات متعددی مبنی بر این‌که حضرت هاجر ع و حضرت اسماعیل ع در حجر دفن شده‌اند، آمده است. ر.ک: کلینی: ۱۴۰۷، ۴: ۲۱۰؛ مجلسی: ۱۴۰۴، ۱۲: ۱۱۷.

ارتباط بین برتری مکان‌های یاد شده در مسجدالحرام، با دفن شدن بدن‌های مطهر پیامبران عظیم‌الشان علیهم‌السلام در این مکان‌هاست. احتمالی که با بررسی بیشتر، به واقع نزدیک می‌شود؛ زیرا طبق روایات معتبر، برترین و مقدس‌ترین مکان‌های روی زمین، مسجدالحرام است که یک رکعت نماز در آن براساس نقل بعضی روایات، برتر از صد هزار رکعت نماز (حر عاملی: ۱۴۰۹، ۵: ۲۷۱)، و بنابه نقل بعضی دیگر از روایات، برابر با یک میلیون نماز در دیگر مساجد است. (ابن قولویه: بی تا، ۲: ۱۰۱۲) مسلم: بی تا، ۲: ۱۰۱۲)

حال این که چرا بعضی از قسمت‌های همین مکان با عظمت و پر فضیلت بر بعضی دیگر برتری یافته است، علت آن وجود قبور مطهر پیامبران عظیم‌الشان علیهم‌السلام در آنهاست.

افزون بر این از طریق دیگر نیز می‌توان درستی مطلب یاد شده را اثبات کرد؛ زیرا هرچند بین علمای اهل سنت در برتری مکه مکرمه بر مدینه منوره و برعکس، اختلاف نظر وجود دارد، اما در این که محل دفن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افضل بقاع روی زمین است اختلاف نظری نیست. بلکه آن مکان مقدس را حتی از خانه کعبه، آسمان‌ها، عرش و کرسی نیز برتر می‌دانند؛ چنان که نوشته‌اند:

أَمَّا الْمَوْضِعُ الَّذِي ضَمَّ أَعْضَاءَ الشَّرِيفَةِ مِنْ قَبْرِهِ الْكَرِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَدْ قَالَ الْعُلَمَاءُ: إِنَّهُ أَفْضَلُ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَتَّى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَتَّى الْكُعْبَةِ الْمَشْرِقَةِ، وَإِنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ حَتَّى الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ. (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۳۲: ۱۵۶؛ الشنقيطي: ۱۴۱۵، ۱۱: ۱۴۳)

قاضی عیاض در شرح این حدیث که صحیح مسلم از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا، أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»، (مسلم: بی تا، ۲: ۱۰۱۲) به اجماع یاد شده، اشاره کرده (قاضی عیاض: ۱۴۱۹، ۴: ۵۱۱) و مجدداً نیز آن را یادآور شده است. (قاضی عیاض: ۱۴۰۷، ۲: ۲۱۳)

بنابراین وقتی به اتفاق نظر علمای اهل سنت، دفن بدن مطهر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مکان خاص، موجب برتری آن مکان شریف از سایر اماکن می‌شود، پس قبور مطهر سایر انبیا نیز موجب برتری قسمت‌های یاد شده از مسجدالحرام می‌شود و به همین مناسبت، نه تنها نماز خواندن و دعا کردن در آنجا نامشروع قلمداد نشده، بلکه فضیلت مضاعف نیز یافته است.

بلکه از آیات قرآن نیز می‌توان بر این که شرف مکان به اهل آن است، دلیل اقامه کرد؛ از جمله این که خدای متعال به حج‌گزاران دستور می‌دهد مقام حضرت

ابراهیم علیه السلام را مصلاى خود قرار دهند: ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ «و [فرمان دادیم]: از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید». (بقره: ۱۲۵)
 همچنین آیات شریفه: ﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ (بلد: ۱ - ۲)، نیز بر مطلب یاد شده دلالت دارد؛ چنان که بیضاوی و زحیلی، از علمای اهل سنت، به این مطلب اشاره کرده و گفته‌اند:

أقسم سبحانه بالبلد الحرام وقیده بحلول الرسول علیه الصلاة والسلام فیہ
 إظهاراً لمزید فضلہ، وإشعاراً بأن شرف المكان بشرف أهله. (بیضاوی: ۱۴۱۸،
 ۵: ۳۱۳؛ زحیلی: ۱۴۱۸، ۳۰: ۲۴۳)

خدای سبحان به بلدالحرام (مکه) سوگند یاد کرده و آن را به سکونت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا مقید نموده است؛ زیرا می‌خواهد بفهماند شرف مکان به شرف اهل آن است.

نتیجه این که بعضی از قسمت‌های مسجدالحرام به دلیل این که مضجع شریف برخی از پیامبران است، برای نماز و دعا فضیلت مضاعف می‌یابد. پس در این صورت نماز و دعا نزد قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نه تنها نباید نامشروع تلقی شود، بلکه برعکس باید از فضیلت بیشتری برخوردار باشد!

دفع شبهه البانی

گفتنی است برخی از وهابیان از قبیل البانی گفته است: «چون قبوری که پنداشته می‌شود در مسجدالحرام واقع شده، آشکار نیست، از این رو دلیل بر جواز اتخاذ مساجد بر قبور محسوب نمی‌شود». وی همچنین گفته است:

برتری مسجدالحرام بر دیگر مساجد و برابری یک نماز در آن با یکصد هزار نماز در دیگر مساجد، فضیلتی است که از زمان پایه‌گذاری آن به‌دست حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام وجود داشته است؛ نه این که با دفن پیامبران وضع شده باشد. (البانی: بی تا، ۶۸ و ۶۹)

پاسخ این است که اولاً در این جا ما برای اثبات مشروعیت نماز و دعا بلکه افضلیت آن نزد قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قبور مطهر سایر اولیای الهی علیهم السلام به افضلیت مسجد الحرام بر دیگر مساجد و این که یک نماز در آن برتر از یکصد هزار نماز در دیگر مساجد است، استدلال نکرده‌ایم. بلکه به این نکته استدلال گردید که بعضی از قسمت‌های مسجدالحرام، افزون بر فضیلت مشترک یاد شده، دارای فضیلت مضاعفی

است، و اینها همان قسمت‌هایی است که گفته شده است قبور مطهر پیامبران الهی علیهم‌السلام در آن واقع است.^۱

ثانیاً: احادیثی که وهابیت برای اثبات حرمت اتخاذ مساجد بر قبور به آنها استناد می‌کند- بر فرض صحت سند-^۲ مطلق است و قیدی در آن مبنی بر این‌که حرمت اتخاذ مساجد بر قبور، مختص به قبور آشکار است، وجود ندارد.

ثالثاً: اگر همان‌گونه که البانی ادعا می‌کند، حرمت اتخاذ قبور، مخصوص زمانی است که قبر برجسته و آشکار باشد، چرا هم‌اکنون که قبر مطهر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را با زمین یکسان کرده‌اند، دعا کردن نزد قبر حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را حرام و بدعت می‌دانند؟!

چهار: تناقضات وهابیت

پس از تحلیل احادیث یاد شده و بیان گوشه‌ای از عملکرد مسلمانان صدر اسلام و توجه ویژه شارع مقدس به برخی از اماکن به‌سبب مدفن بودن برای پیامبران، اکنون سؤال این است که وهابیت به چه دلیل دعا نزد قبور را به طور عموم و نزد قبر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به طور خاص نامشروع می‌داند؟!

اگر دعا نزد قبور آن‌گونه که ابن تیمیّه می‌پندارد، افضل از مکان‌های دیگر نیست (ر.ک: بن باز: بی‌تا، ۲۷: ۱۸۱) و اعتقاد به افضلیت آنها موجب کفر است! (ر.ک: بعلی: بی‌تا، ۵۷) پس چرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبرستان بقیع را برای دعا انتخاب می‌کرد؛ آن هم نه به صورت موردی. بلکه به صورت یک برنامه مستمر و با توقف‌های طولانی مدت؟!

چرا سیره و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و توصیه مکرر آن حضرت به دعا نزد قبور، نادیده انگاشته می‌شود؟! اما این پندار که سلف نزد قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دعا نکرده‌اند حجت

۱. گفتنی است در متون روایی شیعه نیز احادیث فراوانی درباره فضیلت مضاعف داشتن نماز و دعا در بعضی از قسمت‌های مسجدالحرام، از جمله حطیم، مقام حضرت ابراهیم علیه‌السلام حجر اسماعیل علیه‌السلام و زیر ناودان خانه کعبه و این‌که قبور مطهر بسیاری از پیامبران الهی: در مکان‌های یاد شده واقع است، وجود دارد. اما در اینجا چون منظور الزام مخالف بوده، تنها به متون روایی اهل سنت استناد شده است؛ زیرا معمولاً وهابیان، متون روایی اهل سنت را می‌پذیرند. برای اطلاع از احادیث یاد شده در منابع شیعه ر.ک: حج و عمره در قرآن و عترت، محمدی ری‌شهری، صص ۱۱۵ - ۱۲۰ و برای اطلاع بیشتر از احادیث موجود در متون روایی اهل سنت ر.ک: محمود سعید: ۱۴۲۹، ۱۰۵-۱۲۸.

۲. وهابیت برای اثبات حرمت ساخت مساجد بر قبور و نماز و دعا نزد آن به چند حدیث استناد می‌کنند که برخی از آن احادیث، جعلی و برخی معنایی غیر از آنچه آنان اراده می‌کنند دارند. ر.ک: شفاء السقام فی زیارة خیر الانام، السبکی.

می‌شود؛ با این که چنین ادعایی ثابت نیست. (ر.ک: محمد بن عبد الوهاب: ۱۴۱۸، ۵۱)
 اگر دعا نزد قبور، مستجاب نیست! (ر.ک: بن باز: بی تا، ۶: ۳۲۷) چرا پیامبر ﷺ نزد
 قبور دعا می‌کرد؟! آیا پیامبر ﷺ - نعوذ بالله - کار لغو انجام می‌داد یا به کار لغو
 سفارش می‌کرد؟

ادعاهای یاد شده که در آثار ابن تیمیه و وهابیان به چشم می‌خورد، در حالی است
 که موارد نقض آن نیز در کلام خود آنان یا در متون معتبر اهل سنت فراوان است که در
 اینجا تنها به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. استناد جوان به احمد بن حنبل

ابن تیمیه در کتاب «الاخنائیه» هنگامی که آداب زیارت قبر مطهر پیامبر ﷺ را
 توضیح می‌دهد، ناخواسته بر خلاف ادعاهای یاد شده اعتراف می‌کند که احمد بن حنبل
 و دیگران، دعا نزد قبر پیامبر ﷺ را اجازه داده‌اند؛ چنان که می‌نویسد:

و الإمام أحمد ذكر الثناء عليه بلفظ الشهادة له بذلك مع الدعاء له بغير
 الصلاة و مع دعاء الداعي لنفسه أيضاً: امام احمد گفته است ثنای بر
 پیامبر ﷺ به ادای شهادت بر رسالت ایشان و به دعا برای آن حضرت
 است؛ بدون خواندن نماز. همچنین با دعا کردن دعا کننده برای خودش.
 (ابن تیمیه: ۱۴۲۳، ۱۱۹)

۲. استناد جوان به مروذی

ابن تیمیه آداب زیارت را با استناد به منسک مروذی^۱ این گونه آورده است:
 «ثم أتت قبر ﷺ فقل: ... اللهم احشرونا في زمرة، وتوفنا على سنته،
 وأوردنا حوضه، واسقنا بكأسه مشرباً روي لا نظماً بعدها أبداً». آن گاه نزد قبر
 پیامبر ﷺ حاضر شو و بگو: ...پروردگارا! ما را در زمره او محشور فرما، بر
 سنت او بمیران، بر حوض [کوثر] او وارد فرما و به دست او از آن به ما
 بنوشان؛ نوشاندنی سیراب کننده، روان و گوارا که پس از آن هرگز تشنه
 نشویم. (ابن تیمیه: ۱۴۲۳، ۱۱۹)

۳. استناد جوان به مذاهب اربعه

ابن تیمیه افزون بر موارد یاد شده به مذاهب اربعه اهل سنت نیز نسبت می‌دهد که

۱. «أبو بكر المروذی، من أصحاب الإمام أحمد، المقرین إليه فكان يأنس به وينسط إليه لورعه وفضله، وروی
 عن الإمام أحمد مسائل كثيرة، توفي سنة ۲۷۵هـ. ر.ک: ابن تیمیه: ۱۴۱۹، ۲۰۵.

آنان درباره آداب زیارت قبر مطهر پیامبر ﷺ معتقدند زائر پس از این که به حضرت سلام داد، هنگامی که می خواهد دعا کند، باید رو به قبله کند. بدیهی است اعتراف وی به این مطلب که هنگام دعا باید رو به قبله نماید، اذعان ناخواسته وی بر مشروعیت دعا کنار قبر پیامبر اکرم ﷺ نزد سلف است.

او در این باره می گوید:

و مذهب الأئمة الأربعة (مالک و ابی حنیفة و الشافعی و أحمد) و غیرهم من أئمة الإسلام أن الرجل إذا سلم على النبي صلى الله عليه وسلم و أراد أن يدعو لنفسه فإنه يستقبل القبلة: مذهب ائمه اربعه (مالک، ابوحنیفه، شافعی و احمد) و غیر آنان از پیشوایان اسلام این است که چون بر پیامبر ﷺ سلام داد و خواست برای خود دعا کند، رو به سمت قبله کند. (ابن تیمیه: ۱۴۲۲، ۳۱۸؛ البانی: ۱۴۰۶، ۱۹۶)

البته در نسبت یاد شده به همه چهار مذهب اهل سنت، که هنگام دعا باید رو به قبله ایستاد، جای تأمل است؛ زیرا از مالک، نقل شده است که وقتی «منصور دوانیقی» برای زیارت قبر مطهر پیامبر ﷺ مشرف شد، منصور از او سؤال کرد برای دعا رو به قبله کنم یا رو به سمت پیامبر ﷺ؟ مالک گفت: «چرا رویت را از آن حضرت برگردانی؟! او روز قیامت وسیله تو و پدرت حضرت آدم عليه السلام نزد خدای متعال است. بلکه رو به سوی او کن و از آن حضرت عليه السلام نزد پروردگار، شفاعت بطلب.» (قاضی عیاض: ۱۴۰۷، ۲: ۹۲)

همچنین از وی نقل است که چون شنوندگان مجلس او [در مسجد پیامبر] زیاد شدند و صدای او به همه نمی رسید، به او پیشنهاد شد کسی را بگمارد که گفته های او را با صدای بلند به مردم برساند. او در پاسخ آنان، آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾ را یادآور شد و افزود: «احترام حضرت عليه السلام در زمان ممات، همانند احترام او در زمان حیات اوست.» (همان، ۹۵)

۴. اقتدا به پیامبر ﷺ

تناقض دیگر این است که ابن تیمیه از سویی معتقد است هر مکانی که پیامبر عليه السلام به قصد نماز یا دعا به آنجا رفته باشد، رفتن به آن مکان ها به قصد دعا و نماز سنت است؛ زیرا این کار اقتدای به رسول خدا عليه السلام است. همچنین وی می گوید انتخاب اوقات مخصوصی که پیامبر عليه السلام آن اوقات را برای عبادت انتخاب کرده، سنت است. (ابن تیمیه: ۱۴۱۹، ۲: ۲۷۶) این در حالی است که وی در جای دیگر - چنان که دیدیم



– رفتن کنار قبور به قصد دعا را حرام می‌داند؛ (ر.ک: همان، ۲، ۱۹۵) با آنکه احادیث یاد شده، بر سنت پیامبر ﷺ به رفتن به قبرستان بقیع برای دعا، دلالت صریح دارند.^۱

پنج: برداشت ناصواب، علت توهم وهابیت

گفتنی است علت مخالف وهابیت با دعا و نماز نزد قبور مطهر پیامبر اکرم ﷺ و سایر اولیای الهی علیهم‌السلام، برداشت ناصواب آنان از بعضی احادیث است که در متون روایی اهل سنت به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهند؛ از جمله این که ادعا می‌کنند پیامبر ﷺ درباره یهود فرمود: «خدا یهود را بکشد؛ زیرا قبور انبیای خود را مسجد قرار دادند».

(ر.ک: بخاری: ۱۴۲۲، ۱: ۹۵)

در حالی که اگر چنین سخنی را پیامبر اکرم ﷺ فرموده باشند، ناظر به کار حرامی است که یهود نزد قبور پیامبران علیهم‌السلام مرتکب می‌شدند؛ نه این که ناظر به اصل نماز و دعا کنار قبور مطهر پیامبران علیهم‌السلام باشد و برساند که این عمل، حرمت ذاتی دارد؛ همان گونه که عالمان بزرگ اهل سنت نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند.

ابن عبدالبر (م ۴۶۳ق) پس از نقل حدیث یاد شده، معنایی را غیر از آنچه وهابیان فهمیده‌اند بیان می‌کند. به گفته او، حدیث بر این دلالت دارد که سجده بر قبور پیامبران علیهم‌السلام حرام است. وی می‌افزاید: احتمال هم دارد که حدیث بر این معنا دلالت داشته باشد که نباید قبور پیامبران علیهم‌السلام را قبله قرار داد و به سوی آن نماز خواند. گروهی پنداشته‌اند در این حدیث، دلالتی بر کراهت نماز در مقبره و به سمت قبور وجود دارد؛ حال آنکه نزد من، چنین قولی حجت نیست. (ابن عبدالبر: ۱۳۸۷، ۶: ۳۸۳)

ابن عبدالبر در جای دیگر در تحلیل احادیث یاد شده گفته است:

پیامبر اکرم ﷺ بر امت خود نگران بود که مبدا آنان همان شیوه‌ای را پیش بگیرند که برخی از امت‌های گذشته پیش گرفته بودند؛ آنان وقتی یکی از پیامبرانشان رحلت می‌کرد اطراف قبرش جمع می‌شدند و همانند بت پرستان، قبر آن پیامبر را عبادت می‌کردند... پیامبر ﷺ پیوسته اصحاب و سایر امت خود را هشدار می‌داد که مبدا همانند امت گذشته، به سوی قبر او نماز بخوانند و آن را قبله و مسجد قرار دهند؛ همان گونه که بت پرستان، بت‌های خود را قبله قرار می‌دادند و به سوی آنها سجده

۱. احادیثی که بر رفتن مستمر پیامبر ﷺ به قبرستان بقیع و توقف طولانی مدت آن حضرت در آنجا دلالت داشت که تحلیل آن گذشت.

می کردند و نماز می خواندند. (همان، ۵: ۴۵)

قاضی بیضاوی (م ۹۱ق) نیز گفته است:

از آنجا که یهود و نصارا به منظور بزرگداشت، پیامبران، قبور آنان را سجده می کردند و آن را قبله خود قرار داده بودند و به سمت آن نماز می خواندند و آن قبور، بت آنان شده بود، خدای متعال آنان را لعنت کرد و مسلمانان را از این گونه کارها نهی فرمود. اما اگر کسی جوار قبر بنده صالحی را مسجد قرار دهد یا در مقبره او نماز بخواند و قصد او از این کار، بهره مند شدن از ثواب بیشتر یا رسیدن ثوابی به روح آن بنده صالح باشد و نه تعظیم و توجه به او، در این صورت، حرجی بر او نخواهد بود. (بیضاوی: ۱۴۳۳، ۱: ۲۵۷)

گفتنی است بسیاری از علمای اهل سنت، متن سخن بیضاوی یا مضمون آن را در کتب خود آورده اند؛^۱ از جمله طیبی (م ۷۴۳ ق) (شرح المشکاة، ۳: ۹۳۷)، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) (فتح الباری، ۱: ۵۲۵)، بدرالدین عینی (م ۸۵۵ ق) (عمدة القاری، ۴: ۱۷۴)، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) (حاشیة السندی علی سنن النسائی، ۲: ۴۰)، القسطلانی (م ۹۲۲ ق) (ارشاد الساری، ۶: ۴۶۷) و مناوی (م ۱۰۳۱ ق) (فیض القدير، ۴: ۴۶۶). البته هرچند برخی از شخصیت های یاد شده، اطلاق کلام بیضاوی بر جواز نماز و دعا نزد قبور بندگان صالح را به نداشتن ترس از مفسده مشروط کرده اند (ر.ک: ابن حجر: ۱۳۷۹، ۳: ۲۰۸؛ شرح الزرقانی علی موطأ، ۴: ۳۶۷)، ولی این نیز به نوعی تأیید اصل دیدگاه بیضاوی تلقی می شود.

صرف نظر از اظهار نظر علما، از بعضی احادیث منسوب به پیامبر اکرم ﷺ نیز استفاده می شود که آن حضرت ﷺ از این که خدای متعال کنار قبر مطهرشان عبادت شود، اعم از نماز، دعا، زیارت و همانند آن، مخالفت نکرده اند. اما از این که مبادا برخی افراد درباره ایشان به غلو متمایل شوند، هشدار داده اند؛ چنان که حضرت فرمود:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قُبْرِي وَتَنَّا يَعْبُدُ. اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَي قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ: خدایا! قبرم را بتی قرار مده که عبادت شود. غضب سخت خدای متعال بر قومی است که قبور پیامبرانشان را مسجد قرار دادند».

(مالک بن انس: ۱۴۲۵، ۲: ۲۴۰؛ احمد بن حنبل: ۱۴۲۱، ۶: ۶۵۶)

۱. البته اگر علما کلام بیضاوی را بازگو می کنند، به این معنا نیست که همه آنان، اطلاق دیدگاه بیضاوی را پذیرفته اند. بلکه برخی نیز آن را به امن از فتنه مقید کرده یا در قبال آن سکوت نموده یا موضع مخالف گرفته اند.

با اندک تأمل در حدیث یاد شده، به خوبی می‌توان همان مطالبی را که از قاضی بیضاوی بیان شد، فهمید؛ زیرا حدیث، تنها بر حرمت پرستش قبر پیامبر ﷺ دلالت دارد و نه چیزی بیشتر از آن؛ همان پرستش حرامی که برخی اقوام گذشته درباره پیامبران خود مرتکب شده‌اند.

حدیث دیگری که درستی مطلب یاد شده را ثابت می‌کند، حدیث صحیح السنند (نزد اهل سنت) قیس بن سعد است. او می‌گوید:

به حیره رفتم و دیدم اهالی آنجا مقابل امیر خود سجده می‌کنند. وقتی خدمت پیامبر ﷺ رسیدم، عرض کردم: «من در حیره دیدم که مردم امیر خود را سجده می‌کنند و حال آنکه شما، رسول خدا ﷺ سزاوارترید که در برابر تان سجده کنیم». پیامبر ﷺ فرمود: «اگر بر قبر من عبور کنی آن را سجده خواهی کرد؟». گفتم: «خیر». فرمود: «پس چنین نکنید». (ابو داوود: ۱۴۱۹، ۲: ۲۴۴؛ حاکم نیشابوری: ۱۴۱۱، ۲: ۲۰۴)

آنچه در این حدیث شریف مطرح است، نهی از سجده بر شخص پیامبر اکرم ﷺ یا بر قبر مطهر ایشان است؛ و نه بیشتر. بی‌شک این مسئله‌ای است که حرمت آن نزد همه مذاهب و فرق اسلامی مسلم و بدیهی بوده است و اکنون نیز هیچ‌یک از مسلمانان در هیچ جای عالم، نه به آن معتقدند و نه آن را مرتکب می‌شوند.

بنابراین وقتی معلوم شد که معنای نهی پیامبر اکرم ﷺ از مسجد قرار دادن قبر شریف در احادیث یاد شده، منع از سجده بردن بر قبر مطهر و غلو درباره ایشان است، در این صورت، وهابیت چه دلیل منطقی بر حرمت دعا و نماز کنار قبر مطهر آن حضرت ﷺ می‌تواند اقامه کند؟

شش: سد ذرائع^۱ آخرین دلیل وهابیان

پس از اثبات ناکارآمدی احادیث یاد شده در اثبات ادعای وهابیان، آخرین دلیل آنان برای اثبات حرمت دعا و نماز نزد قبر مطهر پیامبر ﷺ، قاعده اصولی «سد ذرائع» است؛ (اللبانی: ۱۴۳۱، ۲: ۲۷۴، ۴۴۶؛ ۳: ۹۱۴؛ صنعانی: ۱۴۳۲، ۷: ۵۷۱؛ عینی: بی‌تا، ۴: ۱۷۴؛ مبارکفوری: ۱۴۰۴، ۲: ۴۱۹) در حالی که از این قاعده نیز نمی‌توان حکم کلی

۱. سد ذرائع، به جلوگیری از فعل مفسده‌آور اطلاق می‌شود. «سد» یعنی بستن و جلوگیری کردن و «ذرائع» جمع «ذریعه»، به معنای وسیله است. در اصطلاح نیز به معنای جلوگیری کردن از هر کاری است که به حسب عادت، به مفسده‌ای منجر می‌گردد.

برای همه افراد و همه زمان‌ها استفاده کرد؛ زیرا:

اولاً: تشخیص این‌که یک قاعده اصولی در کجا و تحت چه شرایطی اجراپذیر است، به نظر مجتهد بستگی دارد. پس طبیعی است که نظر هر مجتهدی، تنها برای خود او و پیروانش حجت باشد و در ضمن، هیچ مجتهدی نمی‌تواند نظر خود را بر مجتهد دیگر تحمیل کند.

افزون بر این، همان‌گونه که سلفیه نیز به آن اذعان کرده‌اند، هر حکمی که بر موضوعی از باب سد ذریعه وضع شود، حکم ثانوی بوده و دایره مدار وجود آن ذریعه است.^۱ از این‌رو ابن حجر عسقلانی به عدم منع بنای مسجد بر قبور فتوا داده و درباره علت آن گفته است:

وَقَدْ تَقَدَّمَ أَنَّ الْمَنْعَ مِنْ ذَلِكَ إِنَّمَا هُوَ خَالٍ خَشْيَةٍ أَنْ يَصْنَعَ بِالْقَبْرِ كَمَا صَنَعَ أَوْلِيَاكَ الَّذِينَ لَعِنُوا، وَ أَمَا إِذَا أَمِنَ ذَلِكَ فَلَا امْتِنَاعَ وَ قَدْ يَقُولُ بِالْمَنْعِ مُطْلَقًا مَنْ بَرَى سِدَّ الذَّرِيعَةِ: پیش‌تر گذشت که منع از اتخاذ مسجد بر قبور، مختص زمانی است که ترس از این باشد که مسلمانان همانند لعنت‌شدگان امت‌های گذشته، آن قبر را عبادت کنند. اما هنگامی که از این لحاظ، آسودگی خیال حاصل شود، دیگر منعی بر آن نیست. همچنین افزوده است کسی که به سد ذرایع معتقد است، امکان دارد قائل به منع مطلق شود. (ابن حجر: ۱۳۷۹، ۳: ۲۰۸)

پیش‌تر از این نیز ابن حجر وقتی به شرح احادیث باب: «مَا يَكْرَهُ مِنْ اتِّخَاذِ الْمَسَاجِدِ عَلَى الْقُبُورِ» در کتاب صحیح بخاری می‌رسد، نکات مهمی مطرح می‌کند. به گفته او تعبیر «ما یکره» در عنوان باب، می‌رساند که بخاری معتقد است بعضی از موارد اتخاذ مساجد بر قبور، کراهت ندارد. وی علت اتخاذ چنین حکمی توسط بخاری را تفاوت قائل شدن بخاری بین موارد مفسده‌خیز و غیر آن دانسته است. ابن حجر، در ادامه، در شرح نخستین حدیث این باب که درباره چادر زدن حضرت فاطمه بنت الحسین علیها السلام بر سر قبر همسرش، حسن بن الحسن علیه السلام و اقامت یک‌ساله وی در آنجا می‌باشد، گفته است: «اقامت یک‌ساله، مستلزم نماز خواندن در آنجا نیز است، و لازمه نماز خواندن نزد قبر، اتخاذ قبر به عنوان مسجد است». (همان: ۳، ۲۰۰)

۱. «وَمَا كَانَ مِنْهَا عِنْدَ لِسَدِّ الذَّرِيعَةِ لِأَنَّهٗ مَفْسَدَةٌ فِي نَفْسِهِ يَشْرَعُ إِذَا كَانَ فِيهِ مَضْلَحَةٌ رَاجِحَةٌ وَلَا تُنْفَوُثُ الْمَضْلَحَةُ لِغَيْرِ مَفْسَدَةٍ رَاجِحَةٍ... وَهَذَا أَصْلٌ لِأَحْمَدَ وَغَيْرِهِ». ر.ک: ابن تیمیه: ۱۴۱۶، ۳: ۲۱۴ و ۲۱۵؛ «وَمَا حَرَّمَ سَدًّا لِلذَّرِيعَةِ أُبِيحَ لِلْمَضْلَحَةِ الرَّاجِحَةِ». ر.ک: ابن القیم: ۱۴۱۱، ۲: ۱۰۸؛ البانی: ۱۴۳۱، ۲: ۲۷۴.

ابن حجر وقتی به شرح حدیث «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسْجِدًا» (بخاری: ۱۴۲۲، ۲: ۸۸) می‌رسد، این سخن عایشه: «وَأُولَٰئِكَ لَأُبْرَزُوا قَبْرَهُ غَيْرَ أَنِّي أَخْشَىٰ أَنْ يَتَّخَذَ مَسْجِدًا»^۱ را که ذیل حدیث آمده است مورد توجه قرار می‌دهد و در این باره می‌گوید:

این سخن نشان می‌دهد که همین عایشه و همفکران او بودند که مانع از آشکار شدن قبر آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شدند و معلوم می‌شود که این اقدام، از باب اجتهاد شخصی آنان بود؛ نه فرمان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (ابن حجر: ۱۳۷۹، ۳: ۲۰۰)

ثانیاً: در حدیث یاد شده، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خداوند درخواست می‌کند که قبرش را بتی که پرستش شود، قرار ندهد: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَتَنًا يُعْبَدُ». (مالک بن انس: ۱۴۲۵، ۲: ۲۴۰، احمد بن حنبل: ۱۴۲۱، ۶: ۶۵۶) حال باید از وهابیت پرسید آیا پروردگار، این درخواست محبوب‌ترین و مقرب‌ترین بندگان و پیامبران خود را اجابت کرده است یا خیر؟!

اگر بگویند اجابت نشده است، در این صورت وقتی دعای صالح‌ترین بندگان خدای متعال مستجاب نشود، پس دعای چه کسی مستجاب می‌شود؟! و این چنین دیدگاهی سوء ظن به خدای متعال محسوب می‌شود. اگر هم بگویند خدای متعال درخواست پیامبر گرامی‌اش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مستجاب کرده است و این در حالی است که هر روز هزاران نفر از راه‌های دور و نزدیک، به قصد زیارت، نماز و دعا نزد مرقد مطهر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه منوره سفر می‌کنند. پس در این صورت نباید هیچ‌یک از نمازها، دعاها و زیارت‌هایی را که نزد قبر مطهر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام می‌شود مصداق شرک بدانند و فریاد و السلاما سردهند!^۲

۱. همان. «اگر خوف این را نداشتیم که همان (سنت یهود و نصارا درباره پیامبرانشان) تکرار شود، صحابه، قبر را آشکار می‌کردند. ولی ترسیدم قبر آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مسجد در نظر بگیرند».

۲. چنان‌که البانی از شخصیت‌های علمی معروف وهابی، از این که به زعم او در مدینه منوره به اسلام عمل نمی‌شود و جلوی بدعت‌ها گرفته نمی‌شود، فریاد و اسلاما سر می‌دهد و می‌نویسد: «القدر رأيت في السنوات الثلاث، التي قضيتها في المدينة المنورة (۱۳۸۱ - ۱۳۸۳) أستاذاً في الجامعة الإسلامية، بدعاً كبيرة جداً تفعل في المسجد النبوي، والمسؤولون فيه عن كل ذلك ساكتون، كما هو الشأن عندنا في سورية تماماً... و لكن المسؤول الذي يستطيع ذلك لم يفعل ولن، فإلى الله المشتكى، من ضعف الإيمان و غلبة الهوى الذي لم يغد فيه حتى التوحيد لعلبة حب المال على أهله إلا من شاء الله و قليل ما هو، و صدق رسول الله صلى عليه [وآله] و سلم إذا يقول: «فتنة لأمة المال». ر.ك: الباني: ۱۴۳۱، ۲: ۵۵۰.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پس از تبیین مسئله و نقل نظرات وهابیت درباره حرمت دعا نزد قبور و به‌ویژه قبر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به نقد و بررسی آن پرداختیم و با بیان و تحلیل برخی احادیث، معلوم گردید که قول و سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر مشروعیت دعا نزد قبور دلالت دارد. افزون بر این، عملکرد برخی صحابه نیز مشروعیت دعا نزد قبر آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تأیید می‌کند. از سوی دیگر، دلایل وهابیت بر ادعای یاد شده، بی‌پایه بوده و تناقض‌گویی آنان در این موضوع، دلیلی بر سستی دیدگاه یاد شده است. چنان‌که قاعده اصولی سد ذرائع نیز قادر نیست ادعای یاد شده را اثبات نماید.



فهرست منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن ابى الدنيا، عبدالله بن محمد، ١٤١١ق - ١٩٩٠م، *الإشراف فى منازل الأشراف*، د. نجم عبدالرحمن خلف، الأولى، الرياض، مكتبة الرشد.
٣. ابن أبى شيبة، ابوبكر عبد الله بن محمد، ١٤٠٩ق، *المصنف فى الأحاديث والآثار*، كمال يوسف الحوت، الأولى، الرياض، مكتبة الرشد.
٤. ابن أبى شيبة، ابوبكر عبد الله بن محمد، ١٩٩٧م، *مسند ابن أبى شيبة*، عادل بن يوسف العزازى و احمد بن فريد المزيدي، الأولى، الرياض، دار الوطن.
٥. ابن أبى خيثمة، أبو بكر أحمد بن أبى خيثمة، ١٤٢٧ق - ٢٠٠٦م، *التاريخ الكبير المعروف بتاريخ ابن أبى خيثمة - السفر الثالث*، صلاح بن فتحى هلال، الفاروق الحديثة للطباعة والنشر - القاهرة، الأولى.
٦. ابن تيمية، أحمد بن عبدالحليم، ١٤٠٥ق، *الفرقان بين أولياء الرحمن وأولياء الشيطان*، عبدالقادر الأرناؤوط، دمشق، مكتبة دار البيان.
٧. ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم، ١٤١٦ق - ١٩٩٥م، *مجموع الفتاوى*، عبدالرحمان بن محمد بن قاسم، المدينة النبوية، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
٨. ابن تيمية، أحمد بن عبدالحليم، ١٤١٨ق، *المستدرک على مجموع فتاوى شيخ الإسلام*، جمعه ورتبه: محمد بن عبدالرحمان بن قاسم، الأولى.
٩. ابن تيمية، أحمد بن عبدالحليم، ١٤١٩ق - ١٩٩٩م، *اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم*، ناصر عبدالكريم العقل، السابعة، بيروت، دار عالم الكتب.
١٠. ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم، ١٤٢٢ق - ٢٠٠١م، *قاعدة جلييلة فى التوسل و الوسيلة*، ربيع بن هادى عمير المدخلى، الأولى، عجمان، مكتبة الفرقان.
١١. ابن تيمية، أحمد بن عبد الحليم، ١٤٢٣ق، *الرد على الأحنائي قاضى المالكية*، الدانى بن منير آل زهوى، المكتبة العصرية، بيروت، الأولى.
١٢. ابن حجر، احمد بن على بن حجر العسقلاني، بى تا، *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دارالمعرفة، ١٣٧٩.
١٣. ابن حجر، أحمد بن على بن حجر أبو الفضل العسقلاني، ١٣٧٩، *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، دارالمعرفة - بيروت.

١٤. ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع بغدادى، ٤١٤ق، *الطبقات الكبرى*، محمد بن صامل السلمى، الأولى، الطائف، مكتبة الصديق.
١٥. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله القرطبي، ١٣٨٧ق، *التمهيد لما فى الموطأ من المعانى و الأسانيد*، مصطفى بن احمد العلوى، محمد عبدالكبير البكرى، المغرب، وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية.
١٦. ابن قولويه، جعفر بن محمد، بى تا، *كامل الزيارات*، عبدالحسين امينى، دار المرتضوية.
١٧. ابن قيم الجوزية، محمد بن ابى بكر محمد، عبدالسلام، ١٤١١ق، *إعلام الموقعين عن رب العالمين*، الأولى، بيروت، دار الكتب العلمية.
١٨. ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير، ١٤٠٨ق - ١٩٨٨م، *البداية و النهاية*، على شيرى، دار إحياء التراث العربى، الأولى.
١٩. ابو داود، سليمان بن الأشعث السجستاني، بى تا، *سنن ابى داود*، محمد محيى الدين عبدالحميد، بيروت، المكتبة العصرية.
٢٠. ابو داود، سليمان بن داود بن الجارود، ١٤١٩ق، *مسند أبى داود الطيالسى*، محمد بن عبدالمحسن التركي، الأولى، مصر، دار هجر.
٢١. احمد بن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل الشيبانى، ١٤٢١ق - ٢٠٠١م، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، الأولى، مؤسسة الرسالة.
٢٢. الأزرقى، محمد بن عبدالله، ١٩٩٦م - ١٤١٦ق، *أخبار مكة وما جاء فيها من الآثار*، بيروت، دار الأندلس للنشر.
٢٣. الأصبهاني، احمد بن عبدالله، ١٤١٧ق، *المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم*، محمد حسن، الأولى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٤. الألبانى، ١٤٣١ق - ٢٠١٠م، *موسوعة محمد ناصر الدين الألبانى*، الأولى، صنعاء، مركز النعمان للبحوث و الدراسات الإسلامية و تحقيق التراث و الترجمة.
٢٥. الألبانى، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م، *أحكام الجنائز*، المكتب الإسلامى، الرابعة.
٢٦. الألبانى، محمد ناصر الدين، بى تا، *تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد*، الرابعة، بيروت، المكتب الإسلامى.
٢٧. الألبانى، محمد ناصر الدين، ١٤٠٥ق، *إرواء الغليل فى تخريج أحاديث منار السبيل*، زهير الشاويش، الثانية، بيروت، المكتب الإسلامى.
٢٨. آل الشيخ، عبداللطيف بن عبدالرحمان، بى تا، *منهاج التأسيس و التقديس فى كشف شبهات داود بن جرجيس*، دار الهداية للطبع و النشر و الترجمة.

٢٩. البخارى، محمد بن إسماعيل ابو عبدالله الجعفى، ٤٢٢ق، *صحيح البخارى*، محمد زهير بن ناصر الناصر، الأولى، دار طوق النجاة.
٣٠. البصرى، الحسن بن يسار، *بي تا، فضائل مكة والسكن فيها*، سامى مكى العانى، الكويت، مكتبة الفلاح.
٣١. البعلى، محمد بن على، بدرالدين، *بى تا، مختصر الفتاوى المصرية لابن تيمية*، عبدالمجيد سليم محمد حامد الفقى، مطبعة السنة المحمدية - تصوير دار الكتب العلمية.
٣٢. بن باز، عبد العزيز؛ ابن عثيمين؛ ابن جبرين: ٤١٥ق، *فتاوى إسلامية لأصحاب الفضيلة العلماء*، الرياض، دار الوطن للنشر.
٣٣. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، *بى تا، مجموع فتاوى*، محمد بن سعد الشوبعر.
٣٤. البيضاوى، عبدالله بن عمر، ٤١٨ق، *أنوار التنزيل وأسرار التأويل*، محمد عبدالرحمان المرعشلى، الأولى، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٣٥. البيضاوى، عبدالله بن عمر، ٤٣٣ق، *تحفة الأبرار شرح مصابيح السنة*، لجنة مختصة بإشراف نورالدين طالب، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية بالكويت.
٣٦. البيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين، ٤٢٣ق، *شعب الإيمان*، عبدعلى عبدالحميد حامد، الأولى، مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض.
٣٧. الترمذى، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، ١٩٩٨م، *الجامع الكبير (سنن الترمذى)*، بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامى، بيروت.
٣٨. الثعلبى، احمد بن محمد، ٤٢٢ق - ٢٠٠٢م، *الكشف والبيان عن تفسير القرآن*، أبى محمد بن عاشور، الأولى، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٣٩. الحاكم النيشابورى، محمد بن عبدالله، ٤١١ق - ١٩٩٠م، *المستدرک على الصحيحين*، مصطفى عبدالقادر عطا، الأولى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٤٠. الخلال، أحمد بن محمد، ١٤١٠ق، *السنة*، د. عطية الزهرانى، الأولى، الرياض، دار الراجعية.
٤١. الدینورى، أحمد بن محمد، *بى تا، عمل اليوم و الليلة سلوك النبى مع ربه عزوجل ومعاشرته مع العباد*، كوثر البرنى، جدة - بيروت، دار القبلة للثقافة الإسلامية و مؤسسة علوم القرآن.
٤٢. الزحلى، وهبة بن مصطفى، ٤١٨ق، *التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج*، الثانية، دمشق، دار الفكر المعاصر.
٤٣. الزرقانى، محمد بن عبد الباقي بن يوسف الزرقانى، ٤٢٤ق - ٢٠٠٣م، *شرح الزرقانى على موطأ الإمام مالك*، طه عبد الرؤوف سعد، مكتبة الثقافة الدينية، القاهرة، الأولى.
٤٤. زهير الشاويش، سليمان بن عبدالله بن عبدالوهاب، ٤٢٣ق - ٢٠٠٢م، *تيسير العزيز الحميد فى شرح كتاب التوحيد*، الأولى، بيروت، المكتبة الاسلامى.

٤٥. السبكي، تقي الدين، ١٤١٩ق، *شفاء السقام في زيارة خير الانام*، تهران، نشر مشعر.
٤٦. السمهودي، على بن عبدالله أبو الحسن، ١٤١٩ق، *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى*، الأولى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٤٧. السندي، محمد بن عبد الهادي التنوي، ١٤٠٦ق - ١٩٨٦م، *حاشية السندي على سنن النسائي* (مطبوع مع السنن)، مكتب المطبوعات الإسلامية، حلب، الثانية.
٤٨. الشنقيطي، محمد الخضر بن سيد عبدالله، ١٤١٥ق - ١٩٩٥م، *كوثر المعاني الدراري في كشف حبايا صحيح البخاري*، الأولى، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٤٩. شيخ حر عاملي، محمد بن حسن، ١٤٠٩ق، *وسائل الشيعة*، اول، قم، مؤسسة آل البيت.
٥٠. الصفوري، عبد الرحمان بن عبدالسلام، ١٢٨٣ق، *نزهة المجالس ومنتخب النفائس*، مصر، المطبعة الكاستلية.
٥١. الصنعاني، محمد بن إسماعيل، ١٣٨٧، *التنوير شرح الجامع الصغير*، د. محمد إسحاق محمد إبراهيم، الأولى، الرياض، مكتبة دار السلام.
٥٢. طبري، محب الدين أبو العباس، أحمد بن عبد الله بن محمد، ١٤٢٢ق، *الرياض النضرة في مناقب العشرة*، دار الكتب، الثانية، بيروت، لبنان.
٥٣. الطبري، محمد بن جرير، ١٤٢٠ق، *جامع البيان في تأويل القرآن*، أحمد محمد شاكر، الأولى، مؤسسة الرسالة.
٥٤. الطيبي، شرف الدين الحسين بن عبد الله، ١٤١٧ق - ١٩٩٧م، *شرح الطيبي على مشكاة المصابيح المسمى* بـ (الكاشف عن حقائق السنن، د. عبد الحميد هندواي، مكتبة نزار مصطفى الباز، مكة المكرمة - الرياض، الأولى).
٥٥. العثيمين، محمد بن صالح، ١٤١٣ق، *مجموع فتاوى و رسائل*، فهد بن ناصر، الأخيرة، دار الوطن - دار الثريا.
٥٦. العيني، بدر الدين محمود بن احمد، بي تا، *عمدة القاري شرح صحيح البخاري*، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
٥٧. قاضي عياض، عياض بن موسى السبتي، ١٤٠٧ق، *الشفاء بتعريف حقوق المصطفى*، الثانية، عمان، دار الفيحاء.
٥٨. قاضي عياض، عياض بن موسى، ١٤١٩ق - ١٩٩٨م، *شرح صحيح مسلم (إكمال المعلم بفوائد مسلم)*، يحيى إسماعيل، الأولى، دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزيع، مصر.
٥٩. القزويني، محمد بن يزيد، ١٤٣٠ق، *سنن ابن ماجه*، شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، الأولى، دار الرسالة العالمية.
٦٠. القسطلاني، احمد بن محمد، ١٣٢٣ق، *إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري*، السابعة، مصر، المطبعة الكبرى الأميرية.

٦١. القسطلاني، احمد بن محمد، بي تا، **المواهب اللدنية بالمنح المحمدية**، القاهرة، المكتبة التوفيقية.
٦٢. القسطلاني، أحمد بن محمد بن أبي بكر، ١٣٢٣ق، **إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري**، المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، السابعة.
٦٣. كليني، محمد بن يعقوب، ١٤٠٧ق، **الكافي**، علي أكبر غفاري و محمد آخوندى، چهارم، تهران، دار الكتب الإسلامية.
٦٤. مالك بن أنس، ١٤٢٥ق، **الموطأ**، محمد مصطفى الأعظمى، الأولى، ابوظبى، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان.
٦٥. المبار كפורى، عبدالله بن محمد، ١٤٠٤ق، **مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح**، الثالثة، بنارس الهند، إدارة البحوث العلمية و الدعوة و الإفتاء - الجامعة السلفية.
٦٦. المجلسى، ملا محمد باقر، ١٤٠٤ق، **بحار الأنوار**، بيروت، مؤسسة الوفاء
٦٧. محمد بن عبد الوهاب، ١٤١٨ق، **كشف الشبهات**، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، الأولى.
٦٨. محمدى رى شهرى، محمد، ١٣٩١ش، **حج و عمره در قرآن و عترت**، مركز تحقيقات حج، على رسولى، مشعر، تهران.
٦٩. محمود سعيد محمد ممدوح، ١٤٢٩ق، **كشف الستور عما اشكل من احكام القبور**، الثالثة، القاهرة، المكتبة الازهرية للتراث.
٧٠. مسلم بن الحجاج، أبو الحسن القشيري النيسابوري، بي تا، **المسند الصحيح المختصر** بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربى، بيروت.
٧١. المناوى، محمد عبدالرؤف، ١٣٥٦ق، **فيض القدير شرح الجامع الصغير**، الأولى، مصر، المكتبة التجارية الكبرى.
٧٢. الموسوعة الفقهية الكويتية، **المكتبة الشاملة**، قسم: فقه عام، الكويت، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية.
٧٣. النجدى، حمد بن ناصر، ١٣٩٨ق، **مجموعة الرسائل والمسائل و الفتاوى**، الأولى، الطائف، دار ثقيف للنشر و التأليف.
٧٤. النسائي، احمد بن شعيب، ١٤٢١ق، **السنن الكبرى**، حسن عبدالمنعم شلبي، الأولى، بيروت، مؤسسة الرسالة.